



شغل شما چیست؟ «نچار هستم.» می‌توانید تعریف درست و دقیقی از اره و میخ ارائه دهید؟ «نه، عزیز من! نه دورت بگردم! اما 38 سال است نچار هستم و هرچه بخواهید می‌توانم با همان اره و میخ و ابزارهای دیگر برایتان بسازم!»

شاید واقعاً باید بدانیم، اما من به شخصه حوصله پاسخ دادن به سؤالاتی مانند «تعریف دقیق نرم‌افزار چیست؟»، «عکس خوب چه عکسی است؟» و موارد مشابه دیگر را ندارم. به واقع اهمیت آن را درک نکرده‌ام. اگر به فرض عکس‌های من در ده‌ها جشنواره داخلی و بین‌المللی به‌عنوان بهترین عکس برگزیده شده است یا به تولید نرم‌افزارهای خوب مشهور هستم و در آن به توفیق رسیده‌ام، چه اهمیتی دارد بتوانم تعریف دقیقی از آن ارائه دهم یا نتوانم و آیا اگر نتوانم، موفقیت‌های من در آن زمینه‌ها زیر سؤال می‌رود؟

مدتی است که تب و تاب مفهومی تحت عنوان «استارت‌آپ» بالا گرفته است. از آنجا که این واژه در ذهن برخی افراد طوری جا باز کرده است که آن را با موفقیت سریع، قدرت مدیریت بالا، سود کلان یا حتی هوش و ذکاوت فردی فراتر از معمول، معادل یا هم‌ارز می‌دانند، قصد دارند به هر ترتیبی که شده خود را در یکی از تعریف‌های استارت‌آپ بگنجانند یا به هر کسب و کاری که آغاز می‌کنند برچسب استارت‌آپ بزنند. گروه دیگری نیز تلاش می‌کنند به اموری بپیوندند که پرستیژ خود را از واژه استارت‌آپ وام گرفته است. به اصطلاح تلاش می‌کنند با حمل جعبه جواهرات خود را در ارزش جواهرات داخل جعبه شریک و سهیم بدانند. چیزی شبیه موج اپلی! هیچ‌گاه شرکت اپل و استیو جابز به‌خاطر طراحی محصولاتی مثل آی‌فون یا آی‌پد آن قدر به‌خود نبالیده‌اند که برخی از ما با داشتن یک گوشی اپل یا حتی اظهار شناختن استیو جابز و نقل قول مکرر از وی به‌خود بالیده‌ایم.

در برخی از متون فارسی، واژه استارت‌آپ را به شرکت‌های نوپا ترجمه کرده‌اند. عده‌ای نیز آن را نقد کرده‌اند که هر شرکت نوپایی لزوماً استارت‌آپ نیست و با تعریف‌های آن سازگاری ندارد. بسیار خوب، قبول. ویژگی‌های یک استارت‌آپ چیست؟ در تعریف استارت‌آپ زودبازدهی آورده شده است. سؤال می‌کنیم اگر شرکتی بعد از یک سال به یک میلیارد تومان درآمد برسد، استارت‌آپ است؟ پاسخ بله است. اگر بعد از سه سال به آن یک میلیارد تومان برسد، چطور؟ پاسخ خیر است؛ زیرا در تعریف آمده زودبازده! سه سال که زود نیست! خوب، اگر بعد از پنج سال به درآمدی در ابعاد درآمد شرکت سامسونگ برسد، چطور؟ «اوه، استارت‌آپ است!» خوب این که بیش‌تر از سه سال طول کشیده است؟! «با من بحث نکن، این پنج سال با آن سه سال فرق می‌کند!»

در تعریف استارت‌آپ تکرارپذیری و مقیاس‌پذیری آمده است. شرکتی بعد از یک سال به یک میلیارد و بعد از دو سال به پنج میلیارد درآمد و رشد چند برابری کارکنان می‌رسد و همه جا به عنوان یک استارت‌آپ موفق از آن نام برده می‌شود. سال سوم به دلیل ضعف در تعریف مقیاس‌پذیری و تکرارپذیری شکست می‌خورد و اعلام ورشکستگی می‌کند. بنابراین، همه مطبوعات باید در گزارش‌های خود اصلاحیه بزنند که آن شرکتی که گفتیم استارت‌آپ بود، یادتونه؟ استارت‌آپ نبود! خوب از کی تا کی باید صبر کنیم بینیم تکرارپذیر و مقیاس‌پذیر است؟

در تعریف دیگر استارت‌آپ عدم قطعیت آمده است. به عبارتی، یک استارت‌آپ نمی‌داند کدام روش جواب می‌دهد و به توفیق می‌رسد! قطعیت در مفهوم مطلق برای هیچ کاری در آینده معنا ندارد. در مفهوم نسبی آن، اگر شخصی ایده‌ای به ذهنش بیاید و با توجه به نیازهای موجود جامعه شکی در توفیق آن نداشته باشد؛ از طرفی مسیر این

توفیق را به درستی ترسیم و آن را با قاطعیت طی کند؛ پس از مدت کوتاهی نیز به هدفش برسد، آن‌گاه چون در راه توفیقش قطعیت وجود داشته است، دیگر استارت‌آپ به‌شمار نمی‌آید؟ به احتمال وقتی انبوه خبرنگاران از او رمز توفیق استارت‌آپش را می‌پرسند، برای آن‌که تعریف استارت‌آپ را نقض نکند، باید اظهار کند از اساس هیچ تصویری از توفیق یا شکست روش خود نداشته است!

اصلاً چه اصراری است که ما این واژه را تعریف کنیم؟ بعد هم که عده‌ای آن را تعریف کردند، چه اصراری است که مدام خود و ساز و کار کسب و کار خود را با آن تعاریف انطباق دهیم و تنه خودمان را به تنه این واژه نزدیک کنیم تا از نمایش دوستی با این واژه احساس خوب داشته باشیم؟ چه هدفی از موفقیت بهتر؟ با این‌که موفقیت هم تعریف دقیقی ندارد، اما دست‌کم چون پرستیژ آن زمانی حاصل می‌شود که به واقعیت آن رسیده باشیم، هرچه سریع‌تر راه رسیدن به آن را پیش می‌گیریم و درگیر حاشیه‌های ناشی از تعریف واژه آن نمی‌شویم. هدف از تشکیل پرونده ویژه استارت‌آپ‌ها در این شماره، به‌واقع حمل‌جعبه جواهرات نبوده است. نیت آن بوده است که تحلیلی از برخی مسیرهای موفقیت با روکش شیرین و جذاب استارت‌آپ ارائه دهیم تا یک نفر از ده نفر کلید واقعی را بگیرد و با آن قفل‌گشایی کند.

تاریخ انتشار:

13 اسفند 1393

نشانی منبع: <https://www.shabakeh-mag.com/opinion/358>